



دوشنبه ۹ تیر ۱۴۰۴

وطن امروز | شماره ۴۲۵۲

[فرهنگ وهنر]

به عبارت دیگران

عزاداری امام حسین (ع)

به‌منابه میتینگ سیاسی

هر مکتبی هیاهو می‌خواهد، باید-پایش سینه بزنند؛ هر مکتبی تا پایش سینه‌زن نباشد، تا پایش توی سر سینه بچکاند اینها! نمی‌داند که این نقش روحانیت و نقش اهل منبر چی هست در اسلام، خودتان هم شاید خیلی ندانید! این نقش، نقشی است که اسلام را همیشه زنده نگه داشته، آن گلی است که می‌آب به آن می‌دهند. این گریه‌ها و این دگر می‌صیبت‌ها، مکتب سیدالشهدا را زنده نگه داشته‌است. ما باید برای یک شهیدی که از دست‌مان می‌رود غم به پا کنیم، نوحه‌خوانی کنیم، گریه کنیم، فریاد کنیم. دیگران می‌کنند دیگران فریاد می‌زنند وقتی یکی از آنها کشته بشود. فرض کنید که از یک حزبی یکی کشته بشود، میتینگ‌های می‌دهند، فریادهای می‌کنند. این یک میتینگ و فریادی است برای احیای مکتب سیدالشهدا و اینها (منتقدان عزاداری) ملفت نیستند و توجه ندارند به این مسائل. همین گریه‌ها نگه داشته این مکتب را تا اینجا و همین نوحه‌سرای‌ها، همین هاست که ما را زنده نگه داشته، همین هاست که این نهضت را پیش برده! اگر سیدالشهدا نبود، این نهضت هم پیش نمی‌برد. سیدالشهدا همه جا هست. کل ارض کربلا همه جا محضر سیدالشهداست، همه منبرها محضر سیدالشهداست، همه محراب‌ها از سیدالشهداست.

سید روح‌الله موسوی خمینی صحیفه امام- جلد ۸، صفحه ۵۷۲

موضع شهید بهشتی درباره مذاکره با آمریکا

صریحاًمی گویم من همواره با خط سازش مخالف بودم و هستم و صریحاًمی گویم که در هیچ گفت‌وگو و مذاکره‌ای که به سمت آوانس به آمریکا دادن و آوانس از او گرفتن پیش برود و پیش رفته باشد آن شرکت داشته‌اند و خواسته‌اند مذاکره را به این سمت ببرند جلوی آن را گرفته‌ام. من خط سازش را حتی نوع سازش مصلحت‌جویانه و خط مذاکره را، حتی مذاکره به معنای جلب حمایت دشمن را همواره محکوم کرده‌ام و می‌کنم و معتقد هستم که نفوذ این طر فکسر در رهبری و اداره انقلاب ایران خطرهایی را به بار می‌آورد و باید جلوی او را گرفت. می‌گویم: سیدمحمدحسینی‌بهشتی جاودانه تاریخ - مصاحبه‌ها، جلد ۲، صفحه ۱۹۵

اولین چایی که مستحشش بودم...

چهاردهم ماهی در پانزده‌سالگی‌ام بود. گل‌های چادری که سرم بود ایدم است- قرمز ریز بودند با کاس‌پرگ زرد. مثل قاقی چهاردهم‌ها. وقت خواندن سید، چادر را آورده بودم روی صورتم پایین و خیره به گل‌های ریز، خاطرات امروز مدرسه را مرور می‌کردم. دیدم صدای سید دارد در دهنم صورت می‌سازد: «گر چشم روزگار بر او زار می‌گریست». مردی تنها سوار شد. زن‌ها دور اسبش بودند. دور شد زنی صدایش کرد: برگشت. سپاه نداشت. پیش چشم زن‌ها راه رفت. دور شد «جان‌چاپلاین همه از تن تیرون شدی» غافلگیرانه نخستین اشک واقعی‌ام در ۱۵ سالگی از چشمم افتاد روی گل قرمز ریزی که روی اونیم بود. نخستین اشکی که از اندوه گریه مادر نبود؛ به خاطر آن تصویری بود که پیش چشمم شکل گرفته بود. نخستین اشکی که نمایشی نبود. نخستین بار بود که برایم مهم نبود زن‌ها اشکم را ببینند و بگویند: «چه دلش پاکه که این دختر» و مرا برای سپهرایشان نشان کنند. مهم نبود مادر با تحسین به چشم‌های سرخم نگاه می‌کند یا نه. دلم برای مصیبتی که سید می‌خواند، سوخته بود. نخستین گریز به کربلا بود که وحشت‌زده، چادر مادر در دست، وسط رها کرده بودم و خودم تنها ایستاده بودم آن وسط و دیده بودم مردم می‌رود. بی‌اختیار نعره «هذا حسین» زد. شوری نخستین اشک عزادارانه ته گلو تجربه عجیبی بود. سید که گفت «والله و ی‌الله» زن‌ها چادرشان را کنار زدند. دیدم یکی از آنها شدام طعم آن چای، تمام عمر با من ماند. زن همسایه سینی را گرفت جلویم. نذرش بود چای بدهد. سبک و ترد استکان را برداشتم. انگار مستحشش باشم. به دستش آورده باشم. به این چای هم مشرف شده بودم؛ به چای بعد اشک.

نقیسه مرشزاده – گاشوب
روایت بیست‌وسوم: گیسوی حور در امین‌حضور نشر اطراف- صفحه ۲۰۰

از آب هم مضایقه کردند کوفیان
کشتی شکست‌خورده توفان کربلا در خاک و خون تپیده میدان کربلا گر چشم روزگار بر او زار می‌گریست خون می‌گذاشت از سر ایوان کربلا نگرفت دست دهر گلایی بغیر اشک زان گل که شد شکفته به بستان کربلا از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت میهمان کربلا بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکید خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا زان تشنگان هنوز به عبوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا آه آدمی که لشکر اعدا نکرد شرم کردند رو به خیمه سلطان کربلا آن‌دم فلک بر آتش غیرت سپند شد کز خوف خصم در حرم افغان بلند شد **محتشم کاشانی – تر کپی‌بند**

حضرت امام حسین (ع):

کسی که دوست دارد دلش به تأخیر افتد و روزیش افزایش یابد، صله رحم به جا آورد.

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیرعامل: زهرا شکیبایی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نگاهی به گیشه و سالن سینما در ۱۲ روز دفاع مقدس

پدافند سینمایی ایران

و سالن‌های سینمایی همچون دیگر بخش‌ها فعالیت داشتند. صف کشیدن برای تماشای «عقاب‌ها» یکی از خاطرات ماندگار سینما‌روهای آن روزهاست؛ فیلمی که با اکران‌های مداوم چندساله‌اش همچنان عنوان پرمخاطب‌ترین اثر سینمای ایران را یدک می‌کشد. جالب است که خیلی از سینماداران از روزهای شلوغ و پررونق دهه ۶۰ سینمای ایران می‌گویند؛ روزهایی که موشک به خیابان‌ها می‌خورد اما مردم جلوی سینماها صف می‌یستند و از فیلم‌های «تاراج»، «عقاب‌ها»، «ساناتور»، «گل‌های داوودی» و ده‌ها فیلم دیگر استقبال می‌کردند. در شرایط ملتهب دهه ۶۰، فیلم کم‌دی -اجتماعی «جاروشین‌ها» مخاطب زیادی را به سینما کشاند که همان تعداد مخاطب با قیمت بلیت امروز یک رکورد برای سینما به شمار می‌آید. باهم فروش و مخاطب برخی آثار سینمایی که در دهه ۶۰ به نمایش درآمدند را مرور می‌کنیم.

■ عجایب عقاب‌ها

فیلم «عقاب‌ها» در طول ۲۲ سال نمایش مستمر خود، ۱۰ میلیون و ۲۰۰ هزار مخاطب داشت. حالا اگر مینا را بر تعداد مخاطبان سال اول اکران یعنی سال ۱۳۶۴ در نظر بگیریم، این عدد به ۳ میلیون و ۲۴۶ هزار تماشاجی می‌رسد که در همان سال، فروش تقریباً ۲۹ میلیون تومان را از آن خود کرد. تاراج یکی دیگر از فیلم‌های محبوب دهه ۶۰ است که شروع اکرانش از سال ۱۳۶۴ بود و آن سال در رتبه دوم فروش سینما قرار گرفت. یکی از درام‌های محبوب و ماندگار سینمای ایران در همین سال به نمایش درآمد؛ «گل‌های داوودی» در رتبه سوم تعداد مخاطب آن سال قرار گرفت. بچه‌های سال‌های جنگ هم از سینما بی‌نصیب نبودند؛ فیلم سینمایی «شهر موش‌ها» در همان سال ۱۳۶۴ ۱۲ میلیون فروش داشت و با متوسط بلیت ۸ تومان توانست یک میلیون و ۵۶۸ هزار مخاطب را به سینما بکشاند. لیست و ژانر ۷ فیلم پرمخاطب سال ۱۳۶۴ را ببینید.

ردیف	فیلم	ژانر
۱	عقاب‌ها	جنگی
۲	تاراج	اجتماعی حادثه‌ای
۳	گل‌های داوودی	درام
۴	شهر موش‌ها	کودک و نوجوان
۵	پایگاه جهنمی	جنگی
۶	شبشکن	اجتماعی حادثه‌ای
۷	فرار	حادثه‌ای

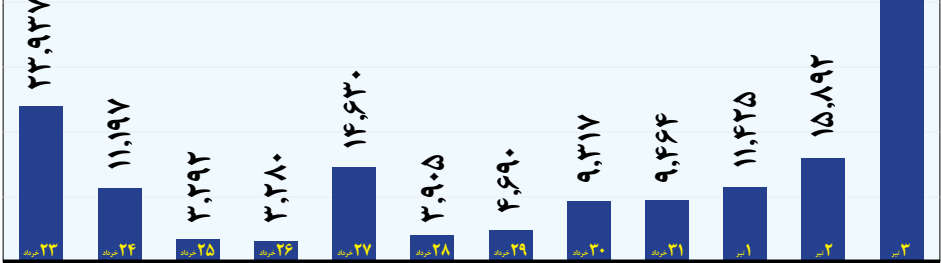
فیلم سینمایی «گمشده» پرفروش‌ترین فیلم ایرانی در سال ۱۳۶۵ بود که توانست به فروش ۲۰ میلیون و ۳۰۰ هزار تومانی برسد اما به لحاظ مخاطب این فیلم عقاب‌ها بود که همچنان رتبه یک تماشاجی را برای دومین سال پیاپی از آن خود کرد. لیست و ژانر ۷ فیلم پرمخاطب سال ۱۳۶۵ را ببینید.

ردیف	فیلم	ژانر
۱	عقاب‌ها	جنگی
۲	گمشده	خانوادگی
۳	بابکوت	اجتماعی- فلسفی
۴	اتوبوس	اجتماعی – کم‌دی
۵	خط پایان	اجتماعی- حادثه‌ای
۶	سمندر	حادثه‌ای
۷	زن‌گها	کم‌دی

کم‌دی – اجتماعی پرفروش: فیلم سینمایی «آجاره‌نشین‌ها» به کارگردانی «دربوش مهرجویی» از ژانر اجتماعی – کم‌دی با فروش ۳ میلیون و ۲۲۳ هزار تومان و با ۳ میلیون و ۵۱ هزار

۶۸۰،۴۲

تعداد مخاطبان ۱۲ روز دفاع مقدس



شعار مرگ بر اسرائیل در جشنواره موسیقی گلاستونبری

مقاومت روی استیج باب ویلان

تولید و انتشار موسیقی است. امروز هرجا صحبت از نسل‌کشی شود، نام خود صهیونیست‌ها پیش از هر چیز مطرح می‌شود و رسانه‌های جریان اصلی هم هر قدر تلاش کنند، نمی‌توانند اوضاع را به حالت سابق برگردانند. یکی از نمونه‌های چنین وضعی، کنسرت اخیر باب ویلان است که هنگام پخش زنده آن از تلویزیون بی‌بی‌سی، شعارهای ضداسرائیلی سر داده بود و تلاش مدیران این شبکه برای سانسور آنچه رخ داده بود هم نتوانست از تأثیر موضوع بکاهد. تلویزیون بی‌بی‌سی روز قبل کنسرت گروه ایرلندی «کی‌تی‌کی» را در فستیوال موسیقی گلاستونبری پخش نکرده بود تا شعارهای ضدصهیونیستی آن را پوشش ندهد. این گروه اسرائیل شعار سر داد، باب ویلان را «لغت به کی‌یر استارمر» و «فلسطین آزاد» را سر داد و پس از برگزاری این کنسرت، پلیس محلی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد درباره این موضوع از آنها تحقیق می‌کند. اما روز بعد گروه پانک ۲ نفره باب ویلان جنجال دیگری به پا کرد و علیه ارتش اسرائیل شعار سر داد. باب ویلان در مقابل هزاران مخاطبی که پرچم فلسطین به دست داشتند، ابتدا شعار «فلسطین آزاد» و سپس «مرگ بر آی‌داف

Death to the IDF» را تکرار کرد و گفت: «از نهر تا بحر، فلسطین باید آزاد شود و آزاد خواهد شد. ان‌شاه‌الله». آی‌دیف نام مختصر ارتش رژیم صهیونیستی متشکل از ۳ تیروی زمینی، هوایی و دریایی است. موضع این گروه نسبت به خود شبکه بی‌بی‌سی هم انتقادی است و درباره جنگ اسرائیل و فلسطین می‌گویند: «سازمان ملل می‌گوید نسل‌کشی است اما بی‌بی‌سی اسمش را درگیری می‌گذارد». بی‌بی‌سی ناچار شد پخش زنده این کنسرت را متوقف کند و پس از آن هم سخنگوی این شبکه گفت این کنسرت «همیقا توهمین‌امیر» بود و از پلتفرم استریم بی‌بی‌سی منتشر نخواهد شد. در ادامه باب ویلان پس از این جنجال‌ها با انتشار تصویری در صفحه شخصی اینستاگرامش نوشت: «در حالی که صهیونیست‌ها در شبکه‌های اجتماعی به گریه افتادند، بستی گیاهی آخر شبم را می‌خورم». چنانکه کاملاً مشخص است، چنین رویدادهایی به طور خودجوش و بدون سازماندهی مشخص از سمت یک نهاد صاحب سرمایه یا یک دولت قدرتمند انجام شده و اتفاقا به ستیز با نهادهای ثروتمند صاحب سرمایه و دولت‌های قدرتمند می‌رود. در کنار تمام تحولاتی که جهان طی سال‌های اخیر به خود دیده و



نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۲۲
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۸۲
نمابر: ۶۶۴۱۳۷۲۲
info@vatanemrooz.ir
پست الکترونیک: vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر
برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰



در این سال، فیلم‌های سینمایی «شنای پروانه»، «خوب، بد، جلف ۲ (ارتش سری)» و «آقای سانسور» در رتبه‌های بالای فروش قرار گرفتند. شنای پروانه بیش از ۱۶۵ هزار مخاطب به سینما آورد و فروشی بیش از ۳ میلیارد تومان را به دست آورد. به‌رغم تمام سختی‌ها و حساسیت‌های موجود برای اکران در شرایط شیوع ویروس کرونا، سینما به مسیری که انتخاب کرده بود امیدوار بود. سال بعد (۱۴۰۰) اوضاع بهتر شد. فیلم سینمایی «دینامیت» با فروشی بیش از ۵۸ میلیارد تومان، حدود ۲ میلیون و ۵۸۹ هزار مخاطب به سینماهای کشور آورد، فیلم سینمایی «گشت ۲» با فروشی بیش از ۴۲ میلیارد تومان، نزدیک ۲ میلیون تماشاجی به سینما آورد و فیلم سینمایی «فهرمان» با فروشی بیش از ۱۲ میلیارد تومان و با تعداد تماشاجی ۴۹۸ هزار نفر در رتبه سوم فروش سال ۱۴۰۴ قرار گرفت. شرایط بهتر شده بود و نهایتاً سینما در این سال با فروش ۱۶۴ میلیارد تومان و تعداد کل تماشاجر ۷ میلیون و ۱۹۷ هزار نفری توانست دوباره سرپا بایستد.

■ جغرافیای سینما و فرصتی که از دست رفت!

سالن‌های سینما در ایام جنگ ۱۲ روزه به آرایش قابل توجهی در نسبت با مخاطبان رسید. درست است که مخاطب در سالن‌های سینما به تماشای فیلم‌هایی همچون پیرسر و صدام می‌نشت و در نگاه اول شاید فضا و جنس این فیلم‌ها با احوالات امروز ایران همخوانی نداشت اما برخی سینماداران در شهرهای مختلف، برنامه‌های ویژه حماسی برای تماشاگران آماده کرده بودند. پخش سرود ملی پیش از نمایش فیلم یا پخش موسیقی‌های ملی – مهنی در لابی سینماها و همچنین نصب پرچم ایران بر سر در سینماها از جمله اقداماتی بود که به ایجاد فضای حماسی و ملی در سینماهای کشور کمک کرد اما یک افسوس بزرگ برای سینماداران شهرهای مختلف کشور در این ایام رقم خورد. در روزهایی که سالن‌های سینما در شهرهای مختلف کشور نیمه‌زند می‌آث مهم سینماها بودند که به حال و هوای این روزها بخورد؛ خبری در رسانه‌ها پیچید که فیلم راهبردی «آقای جنگ» از تلویزیون پخش می‌شود. این فیلم موفقیت ایرانی‌ها در حوزه پیشرفت‌های موشکی ایران را نشان می‌دهد و انحلات مهمی از یک حماسه را به تصویر کشیده است. بنا به تصمیم صاحبان فیلم، «خدای جنگ» از نمایش در سالن‌های سینما محروم شد اما این محرومیت از سینما فقط محرومیت از تماشا شدن در سالن سینما نبود و فیلم از پروپاگانداهای سینمایی و اتفاقات خلافت‌نای که برای تماشای یک اثر سینمایی می‌توان فراهم کرد محروم شد. واضح است که وقتی یک محصول سینمایی متولد می‌شود و سفر خودش را به قصد جلوه‌گری شروع می‌کند، پیرامون خود، نقاط اثری را فعال می‌کند که به فضاسازی، تبلیغ و معرفی فیلم کمک می‌کنند. این فضاسازی هم به‌شامل تبلیغاتی می‌شود که حول و حوش آن اثر به وجود می‌آید و هم فضاهای مثبت و منفی که درباره فیلم مطرح می‌شود. تماشای فیلم در سالن سینما اتمسفری را ایجاد می‌کند که نقطه اثرگذاری آن متفاوت از تماشای در تلویزیون است.

سینما با تمام آیین‌هایی که برای اثر سینمایی فراهم می‌کند به فیلم سینمایی اعتبار ویژه می‌دهد و آن اثر را محترم می‌کند. با تبعید «خدای جنگ» به تلویزیون محرومیت‌هایی به فیلم تحمیل شد. اگر در نسبت با فیلم کمی هوشمندانه رفتار می‌شد، کمپین‌های ویژه‌ای از اجتماعات انسانی شکل می‌گرفت که می‌توانست نقطه محرک خوبی برای جنبش‌های رسانه‌ای باشد، مثل همان چیزی که «علاج» محسن چاوشی به وجود آورد.

اما این محرومیت ۲ سر داشت. مجموعه‌های فرهنگی و سینماداری می‌توانستند به کمک نمایش اثری اثری راهبردی و متناسب با اتفاقات روز، شور و شغفی مضاعف در جغرافیای سینما شکل دهند. مگر نه این است که سینمای هر شهر در موقعیت‌های مختلف، کارکردی فراتر از پخش فیلم می‌یابد، پس چه می‌شود مدیران فرهنگی که وظیفه تولید محتوا را بر عهده دارند، جغرافیای سینما را به عنوان یک مکان – رسانه در نظر نمی‌گیرند، روزها و دوران دفاع‌مقدس را مرور کنیم تا به یاد بآوریم که چگونه سینما برای شور حماسی مردم احترام قائل بود.

همگی نشانه‌هایی از فروپاشی نظم جهانی به وجود آمده پس از جنگ دوم جهانی هستند، یکی از چیزهای دیگری که می‌توان به آن توجه کرد تغییرات محسوس در سوگیری افکار عمومی دنیاست. به عنوان مثال، طبق یک نظرسنجی که در ایالات‌متحده به عنوان بزرگ‌ترین حامی رژیم صهیونیستی، مدتی بعد از توفان الاقصی انجام شد، هواداری از اسرائیل اگرچه در میان افراد بالای ۶۵ سال آمریکایی که فکشان دست‌نخست دران جنگ سرد بوده هنوز بالای ۸۰ درصد است اما بین افراد ۱۸ تا ۳۴ سال آمریکایی این نسبت به ۲۷ درصد رسیده است. جهان جدید خسته است از تک‌صدایی رسانه‌های جریان اصلی و در این میان دنبال صدایی دیگر می‌گردد؛ صدایی که بدیل این لحن یکجانبه ۳۰ ساله باشد و نخواهد بدیهیات را با کیمیاگری در کلمات و تصاویر کتمان کند. اتفاقاتی نظیر آنچه در کنسرت باب ویلان و پیش از آن در کنسرت گروه ایرلندی رخ داد و نیز موارد متعدد مشابه اینها در سراسر دنیا، نشان می‌دهد یکی از اصلی‌ترین اسلحه‌های بلوک غرب و نیروی نیابتی آن یعنی رژیم صهیونیستی که همان رسانه‌های جریان اصلی است، دیگر از کار افتاده و حتی در بسیاری از موارد تأثیری معکوس دارد.